

پیش‌بینی دو دانش‌آموز

عباس عبدي

اخيرا يك فيلم کوتاه يك دقيقه‌اي بازنشر شده که دو دختر خانم دبیرستانی به مدت يك دقيقه درباره فشارهاي اجتماعي نسبت به دختران حرف می‌زنند. این فیلم تولید سال ۱۳۸۲، یعنی ۲۱ سال پیش است. هر دو دختر خانم که حدود ۱۵ تا ۱۷ ساله هستند با حجاب و مقنعه کامل و روپوش مدرسه بدون ذره‌اي آرایش به خوبی و مسلط حرف می‌زنند. آنان فشارهاي اجتماعي را به خوبی به فنر تمثيل می‌کنند. جامعه را متحول می‌دانند که اگر فشار نباشد مردم خود را تطبيق می‌دهند. ولي اگر جلوي این فنر گرفته و فشرده شود، به جايي می‌رسد که دیگر، توان حفظ آن را ندارند و يك باره فنر باز می‌شود. آنان قاعده‌اي را با زباني ساده توضیح می‌دهند که «مردم از آنچه منع می‌شوند به آن حریص‌تر می‌شوند.» سپس شرح می‌دهند که چرا مردم به سوي تبلیغات ماهواره‌اي می‌روند. اینها عین جملات آن دو دختر خانم نبود ولي مضمون دقیق آنها است. اي کاش می‌دانستیم که اکنون آنها کجا هستند؟ چه پوششي دارند؟ چه تفکري دارند؟ و آیا همچنان با همان آرامش و متانت سخن می‌گویند یا به افراډي عصبي تبدیل شده‌اند؟ پس از رها شدن این فنر در سال ۱۴۰۱ چه رفتاري از خود نشان داده‌اند؟ اکنون نمی‌دانیم که آن دو دختر خانم چه وضعي دارند؟ ولي از روي موارد مشابه فراوان آنها که در دور و نزدیک می‌بینیم، می‌توانیم بگوییم که سرنوشت آن نسل به کجا رسیده است؟ آنان متولدین دهه ۱۳۶۰ بودند که اواخر جنگ به دنیا آمدند. در دوره اصلاحات به بلوغ رسیدند. ولي هیچ کس وقعي به سخنان بدیهي آنان نداد. آنان در آن مقطع زمانی دانش‌آموزاني عادي بودند؛ نه مدرک دانشگاهي داشتند و نه تجربه عمیق سياسي و اجتماعي، ولي با همان چند سالي که در متن جامعه حضور داشتند، به صورت شهودي و حسي متوجه شده بودند که تحت فشار اجتماعي هستند. آنان چنین می‌اندیشیدند که تحت فشارند که چگونه فکر کنند، چه بپوشند، کجا بروند، کجا نروند و... و این را حس می‌کردند، که این فشارها در حال افزایش است و می‌دانستند که به جايي خواهد رسید که دیگر سیاستمداران و پدرخوانده‌هاي جامعه قادر به نگهداري این فنر در حالت فشرده شده نخواهند شد، خسته می‌شوند و دیر یا زود این فنر رها خواهد شد، و آنگاه باطن جامعه آشکار

میشود. باطني که شاید در يك فرآیند طبیعی و متعارف به گونه دیگری ظاهر شود.

این نسل اعم از دختر و پسر و البته دختران بیشتر، نادیده گرفته شدند ولي کسی توان حذف آنان را نداشت و ندارد به همین علت در فرداي برداشتن اهرم از روی فنر، به میدانی پرتاب میشوند که خواسته خودشان نبوده است.

پرسش این است که چرا گوش شنوا و ساز و کاری مناسب برای شنیدن آن نجواهاي آرام وجود نداشت تا با بحران ۱۴۰۱ مواجه نشویم؟ یکی از بدترین اشتباهات رایج ساختار سیاسی این است که اعتراضات ۱۴۰۱ را ساخته و پرداخته دشمنان کشور و بیگانگان معرفی کرد.

گزارش رسمي بي‌خاصیت و گمراه‌کننده‌اي که در خصوص این اعتراضات تهیه و منتشر شد، دقیقاً بر همین محور تهیه شده است. شاید تهیه‌کنندگان گزارش حق داشته باشند؛ زیرا هیچ درکی عینی از جامعه ندارند، ولي آنچه که در سال ۱۴۰۱ رخ داد، تحقق پیش‌بینی ساده این دو دختر خانم دبیرستانی بود که ۲۰ سال پیش از آن به شکل ساده و صمیمانه‌اي بیان کردند.

گزاره‌هاي آنان براي همیشه صادق است؛ جامعه مثل يك استخر آب است که نمی‌توان آن را در يك پارچ قرار داد. براي حکمرانی معقول و متعارف و مورد حمایت مردم و اینکه کارآمد باشد باید سعه صدر و سعه فکر داشت.

نمی‌توان جامعه جدید را که هر لحظه تحت تأثیر عوامل و متغیرهاي گوناگونی است، در يك چارچوب بسته و محدود خلاصه کرد. به ویژه وضعیت زنان بسیار حساس است.

هم از منظر جایگاه اجتماعی و هم از زاویه وضعیت اقتصادی و نیز حقوق خانوادگی، شاید متولیان رسمي گمان کنند که برای زنان جایگاه مهمی قائل هستند. این فایده ندارد؛ زنان خودشان جایگاه مورد نظر را تعریف می‌کنند.

سیاست‌هاي جاری در ایران به نسبت متضاد و متناقض است. ولي بیشترین تناقضات سیاسی و حتی حقوقی در مساله زنان است. امروز حکومت به پوششی از زنان رضایت می‌دهد که ۲۰ سال پیش آن را کفر ابلیس می‌دانست.

ولي رسيدن به اين پوشش با هزينه‌هاي زياد براي دو طرف بوده، و هنوز هم معلوم نيست كه چند سال بعد به كجا برسد؟ در حالي كه همين پوشش‌هاي متعارف را مي‌توانستند با همراهي و همكاري مردم حفظ كنند و حتي در همين حدود رعايت شود. از اين سوراخ براي چندمين بار گزيده نشويد.

□□□□□□ □□□□□□□□ 18 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ :□□□□